

خبر	
مارک رابویو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا را رهبر کارتل تروریستی اعلام کرد	
نقشه جدید آمریکا برای مادورو	
وزیر امور خارجه آمریکا در پیامی از قصد این کشور برای تروریستی اعلام کردن کارتل «د لوس سلس» خبر داد که مدعی است از سوی رئیس‌جمهور ونزوئلا رهبری می‌شود.	
به گزارش ایسنا، «مارکو رابویو» وزیر امور خارجه آمریکا در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که وزارت امور خارجه این کشور قصد دارد کارتل «د لوس سلس» را که مدعی است «نیکولاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا رهبری آن را بر عهده دارد در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا قرار دهد.	
رابویو در پیام خود ادعای آمریکا مبنی بر رهبری این باند تنه‌کار توسط مادورو را تکرار کرد. این اقدام از ۲۴ نوامبر (۳ آذر) اجرایی خواهد شد. ترامپ روز یکشنبه پیشنهاد داد که تعیین کارتل دو لوس سولز به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی به ارتش ایالات متحده این امکان را می‌دهد که دارایی‌ها و زیرساخت‌های مادورو را در داخل ونزوئلا هدف قرار دهد.	
با این حال، تعیین سازمان تروریستی خارجی یکی از جدی‌ترین اقدامات ضد تروریسم وزارت امور خارجه است. ارائه آگاهانه «حمایت مادی یا منابع» به یک سازمان تروریستی خارجی تعیین شده توسط شهروندان آمریکایی غیرقانونی است و نمایندگان و اعضای یکی از آنها از ورود به ایالات متحده منع می‌شوند.	
به گفته وزارت امور خارجه، کنگره هفت روز فرصت دارد تا پس از اطلاع‌رسانی، تعیین سازمان تروریستی خارجی را بررسی کند و «در صورت عدم اقدام کنگره برای جلوگیری از تعیین» این تعیین به اجرا در می‌آید.	
رابویو در اوایل امسال گفت که تعیین سازمان تروریستی خارجی به ایالات متحده حق می‌دهد تا «این گروه‌ها را هدف قرار دهد».	
رابویو گفت: «ما باید با آنها به عنوان سازمان‌های تروریستی مسلح رفتار کنیم، نه صرفاً سازمان‌های قاچاق مواد مخدر. قاچاق مواد مخدر نوعی تروریسم است که آنها انجام می‌دهند و تنها نوع آن نیست.»	
اعلام وزارت امور خارجه پس از آن صورت می‌گیرد که وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در ماه ژوئیه، کارتل دو لوس سولس را تحریم کرد و آن را یک سازمان «تروریست جهانی ویژه تعیین‌شده» دانست و ادعا کرد که «از ترن د آراگو و کارتل سینالوا حمایت مادی کرده است.»	
به گفته وزارت خزانه‌داری، «نام این کارتل از نشان‌های خورشیدی گرفته شده است که اغلب روی لباس‌های مقامات نظامی ونزوئلا به تصویر کشیده می‌شود.»	
فیل گاتسون، محقق گروه بحران بین‌المللی مستقر در کاراکاس، پیش از این به سی‌ان‌ان گفته بود: «کارتل سولس به خوبی خود وجود ندارد. این یک اصطلاح روزنامه‌نگاری است که برای اشاره به دخالت مقامات ونزوئلا در قاچاق مواد مخدر ایجاد شده است.» اما این بدان معنا نیست که پرسنل نظامی یا مقامات دولتی در قاچاق مواد مخدر دخیل نیستند.	
وزارت جنگ آمریکا به دستور «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا از ماه سپتامبر شناورهای خارجی در آب‌های بین‌المللی را با هدف ادعایی مبارزه با مواد مخدر هدف قرار می‌دهد و استقرار جنگ افرازا و نظامیان خود در منطقه کارائیب را تقویت کرده است.	
دولت ترامپ دولت «نیکولاس مادورو» را به رسمیت نمی‌شناسد و مدعی کنترل کارتل‌های مواد مخدر از سوی آن است.	
مشروعیت اقدام یک‌جانبه ارتش آمریکا علیه شناورا در آب‌های بین‌المللی، به‌ویژه در کارائیب در کنگره و در میان کارشناسان این کشور بحث‌برانگیز شده است.	
پنتاگون اواخر هفته گذشته از آغاز عملیات تازها به نام «نیزه خونبی» در آب‌های بین‌المللی خبر داده و مدعی شد که هدف آن حذف تهدید تروریسم مواد مخدر از نیم‌کره غربی است.	



نخستین محور برجسته این سفر، همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری مشترک است. عربستان سعودی طی سال‌های اخیر با اجرای برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ تلاش کرده ساختار اقتصادی خود را از یک اقتصاد مبتنی بر نفت به اقتصادی متنوع تبدیل کند. این برنامه جاه‌طلبانه نیازمند سرمایه‌گذاری عظیم خارجی، فناوری پیشرفته و مشارکت گسترده شرکت‌های بین‌المللی است. ایالات متحده نیز یکی از شرکای سنتی عربستان در حوزه انرژی، فناوری، صنایع زیربنایی و خدمات مالی محسوب می‌شود. ولیعهد سعودی با هدف جذب سرمایه و تقویت اعتماد شرکت‌های آمریکایی، در واشنگتن حضور می‌یابد تا پیام روشنی به اقتصاد جهانی بدهد؛ اینکه عربستان برای پروژه‌های بزرگ، به‌ویژه در حوزه انرژی‌های نو، هوش مصنوعی، زیرساخت‌های کلان و پروژه‌های شهری مانند ثنوم، آماده مشارکت طولانی‌مدت است.

این سفر همچنین با برگزاری کنفرانس سرمایه‌گذاری سعودی‌ها در ریاض همزمان شده است؛ اقدامی که نشان می‌دهد ریاض تلاش دارد سرمایه‌گذاران آمریکایی را هم‌زمان با گفت‌وگوهای سیاسی در واشنگتن، به فرصت‌های اقتصادی در عربستان متصل کند. این هم‌افزایی بین دیپلماسی سیاسی و اقتصادی هدفی دوگانه دارد؛ نخست تقویت روابط دوجانبه با ایالات متحده و دوم رقابت با سایر قدرت‌ها، به‌ویژه چین، که طی سال‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد عربستان پیدا کرده است. محور دوم این سفر، موضوع خرید جنگنده‌های اف-۳۵ از آمریکا است؛ توافقی که سال‌هاست موضوع گفت‌وگو میان دو کشور بوده اما به دلیل ملاحظات امنیتی واشنگتن و نگرانی‌های رژیم صهیونیستی، به مرحله نهایی نرسیده است. عربستان سعودی یکی از بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات آمریکایی است و به دنبال ایجاد برتری نظامی در منطقه، به‌ویژه در برابر تهدیدات موشکی و پهپادی، تمایل دارد به فناوری‌های پیشرفته‌تری دست یابد. با این حال، فروش اف-۳۵ به عربستان نه تنها یک معامله نظامی، بلکه یک تصمیم ژئوپلیتیکی پیچیده است؛ لذا واشنگتن باید میان حفظ «برتری کیفی نظامی» رژیم صهیونیستی، حفظ نفوذ خود در ریاض و جلوگیری از اتکای عربستان به قدرت‌های رقیب مانند چین و روسیه توازن ایجاد کند. ترامپ در دوره نخست ریاست‌جمهوری خود از تقویت روابط دفاعی با ریاض حمایت کرده بود و اکنون در بازگشت به قدرت تلاش دارد روابط خود با ولیعهد سعودی را به سرعت احیا کند. برای عربستان، خرید اف-۳۵ نه تنها به معنای ارتقای توان دفاعی، بلکه نشانه‌ای از اعتماد متقابل با آمریکا و تثبیت نقش آن در نظم امنیتی خلیج فارس است. در مقابل، ایالات متحده نیز چنین معامله‌ای را ابزاری برای حفظ وابستگی راهبردی عربستان به فناوری نظامی آمریکا تلقی می‌کند.

اما شاید مهم‌ترین محور مذاکرات، موضوع عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی باشد؛ پرونده‌ای که طی سال‌های گذشته یکی از

محورهای اصلی سیاست خاورمیانه‌ای واشنگتن بوده است. عادی‌سازی روابط میان ریاض و تل‌آویو، در صورت تحقق، مهم‌ترین تحول ژئوپلیتیک در خاورمیانه طی دهه اخیر خواهد بود. برخلاف امارات و بحرین که با توافق ابراهیم روابط خود را با رژیم صهیونیستی رسمی کردند، عربستان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان عرب، تاکنون از این روند فاصله گرفته و خواستار تضمین‌های امنیتی، پیشرفت در پرونده فلسطین و بسته‌های بزرگ اقتصادی و فناوری شده است. اکنون که ترامپ بار دیگر در کاخ سفید مستقر شده، فرصت برای احیای تلاش‌های قبلی ایجاد شده است. ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود روی «اتلاف عربی-اسرائیلی» برای مقابله با ایران حساب باز کرده بود. بنابراین دیدار پیش رو می‌تواند اولین گام برای احیای این راهبرد باشد. عربستان احتمالاً خواستار تضمین‌های امنیتی رسمی از آمریکا، دسترسی به فناوری‌های پیشرفته نظامی و مشارکت در برنامه‌های مشترک منطقه‌ای است. در مقابل، واشنگتن انتظار دارد ریاض گام‌هایی عملی برای نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی بردارد، هرچند چنین توافقی نیازمند فرآیند طولانی‌مدت و پیچیده‌ای خواهد بود. جایگاه این سفر در معادلات منطقه‌ای نیز بسیار حائز اهمیت است. خاورمیانه در حال ورود به مرحله‌ای از تغییرات بنیادی است؛ رقابت ایران و رژیم صهیونیستی تشدید شده، امنیت دریایی در خلیج فارس با تهدیدات جدید

«ابتکار» سفر محمدبن سلمان به آمریکا را بررسی می‌کند

معامله در کاخ سفید

گروه بین‌الملل - سفر محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی به واشنگتن پس از هفت سال توقف روابط سطح بالا رویدادی بسیار مهم در معادلات منطقه‌ای و جهانی قلمداد می‌شود. ولیعهد سعودی امروز سه‌شنبه به واشنگتن سفر کرده و قرار است با دونالد ترامپ، در کاخ سفید دیدار کند؛ دیداری که شواهد نشان می‌دهد بر پایه مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی، امنیتی، دفاعی و ژئوپلیتیکی طراحی شده و می‌تواند فصل تازه‌ای در مناسبات ریاض-واشنگتن بگشاید. این دیدار در مقطعی حساس انجام می‌شود؛ زمانی که رقابت قدرت‌ها در خاورمیانه، آینده بازار انرژی، توازن امنیتی در خلیج فارس و همچنین مسیر عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل در مرحله‌ای تعیین‌کننده قرار دارد.



مواجهه است، قیمت انرژی نوسانات چشمگیر دارد و نظم امنیتی سنتی مبتنی بر حضور آمریکا در حال بازتعریف است. عربستان در سال‌های اخیر نشان داده که تمایل دارد نقش یک بازیگر مستقل را ایفا کند؛ از گفت‌وگوهای مستقیم با ایران گرفته تا همکاری اقتصادی با چین و روسیه. بنابراین این سفر پیام روشنی دارد؛ اینکه ریاض قصد ندارد از واشنگتن فاصله بگیرد و همچنان آمریکا را شریک راهبردی خود می‌داند، اما این شرکات باید متوازن، قابل پیش‌بینی و بر اساس منافع متقابل باشد. از سوی دیگر، ترامپ نیز به‌شدت نیازمند موقعیت در سیاست خارجی است. او با مجموعه‌ای از چالش‌ها شامل جنگ اوکراین، رقابت فزاینده با چین و ناآرامی‌های خاورمیانه روبه‌روست. لذا یک توافق بزرگ با عربستان چه در حوزه تسلیحاتی، چه اقتصادی یا حتی آغاز روند عادی‌سازی می‌تواند برای دولت او دستاوردی محسوب شود. این دیدار همچنین می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های جدید در حوزه انرژی باشد. آمریکا به دنبال ثبات‌بخشی به بازار نفت است، و عربستان، به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده جهان، نقشی تعیین‌کننده در مدیریت قیمت‌ها دارد. در نتیجه واشنگتن امیدوار است در صورت تنش‌های بیشتر در منطقه، ریاض تولید نفت خود را در مسیر هماهنگ با سیاست‌های آمریکا تنظیم کند. همچنین، محورهای گفت‌وگو می‌تواند شامل مسائل امنیتی منطقه‌ای، از جمله وضعیت یمن، تحولات دریای سرخ، مقابله با قاچاق سلاح و نقش‌آفرینی ایران در منطقه باشد. عربستان در تلاش است بر اساس راهبرد جدید خود، از تقابل مستقیم دوری کند و بیشتر بر ثبات اقتصادی و امنیت داخلی تمرکز داشته باشد. واشنگتن نیز به‌دنبال کاهش هزینه‌های نظامی در منطقه است و همکاری نزدیک با ریاض می‌تواند این هدف را تقویت کند. در مجموع، این سفر را می‌توان تلاشی برای بازسازی روابط راهبردی میان عربستان و آمریکا دانست؛ رابطه‌ای که در سال‌های اخیر به دلیل اختلاف بر سر جنگ یمن، قتل جمال خاشقجي، سیاست انرژی اوپک پلاس و نزدیکی عربستان به قدرت‌های شرق آسیا دچار تنش شده بود. اکنون دو طرف به این جمع‌بندی رسیده‌اند که حفظ شرکات راهبردی نه تنها ضروری است، بلکه برای مدیریت چالش‌های آینده نیز اهمیت حیاتی دارد.

بنابراین سفر محمد بن سلمان به واشنگتن، صرف‌نظر از نتایج فوری، نقطه عطفی در روابط دو کشور خواهد بود. اگر مذاکرات به توافقی‌های قابل‌توجه منجر شود، آینده همکاری‌های اقتصادی و امنیتی شتاب خواهد گرفت. اگر هم اختلافات باقی بماند، دست‌کم این دیدار آژاگر دهره‌ای از گفت‌وگو مستقیم خواهد بود. آنچه قطعی است این است که آینده نظم منطقه‌ای، امنیت خلیج فارس و تعاملات ژئوپلیتیکی خاورمیانه تا حد زیادی به نتایج این دیدار بستگی خواهد داشت.

جنگ واقعاً تمام شده است. این مستلزم خلع سلاح حماس است. آتش‌بس خواستار یک نیروی حافظ صلح بین‌المللی برای انجام این کار است. دونالد ترامپ از شورای امنیت سازمان ملل می‌خواهد که به این نیرو یک مأموریت دو ساله بدهد. با این حال، هیچ کس در جهان عرب مشتاق پیوستن به آن نیست. «انور قرقاش»، مشاور دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امارات متحده عربی، می‌گوید که این مفهوم هنوز خیلی مهمم است. اگر این تغییر نکند، کشورش «احتمالاً شرکت نخواهد کرد». عربستان سعودی اعزام نیرو را رد کرده است. اردن هم موضع نزدیک هستیم.» ترامپ امیدوار است کشورهای غیرعربی را متقاعد کند که بخش عمده‌ای از نیرو را تأمین کنند، اما آنها هنوز متعهد نشده‌اند. از این رو صحبت از یک جایگزین می‌شود. به جای بازسازی شهرهای موجود غزه که در نزدیکی ساحل هستند، برخی از آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها امیدوارند بازسازی را در قلمرو تحت کنترل اسرائیل آغاز کنند. آنها احتمالاً از نزدیکی رفح، در جنوب غزه، جایی که اسرائیل بیشترین مساحت را در اختیار دارد، شروع خواهند کرد. ایده این است که مجموعه‌ای از شهرهای مدولار ساخته شود: هر کدام هزاران فلسطینی را از خود جای دهد و شامل درمانگاه‌ها، مدارس و سایر خدمات باشد. این طرح یادآور ابتکارات شکست‌خورده‌ای است که در سایر عملیات‌ها، از افغانستان در دهه ۲۰۰۰ تا ویتنام در دهه ۱۹۶۰، امتحان شده است. بعید به نظر می‌رسد که در غزه نیز جواب دهد. فقط چند هزار فلسطینی به سمت اسرائیلی خط‌نزدکی می‌کنند (بسیاری از آنها عضو شبه‌نظامیان تحت حمایت اسرائیل هستند). حتی اگر دریگران را بتوان متقاعد به جابجایی کرد، اسرائیل باید آنها را بررسی کند؛ مشخص نیست که آیا به آنها اجازه بازگشت داده می‌شود یا می‌توانند آزادانه در سمت اسرائیلی تردد کنند.

و مراکز داده هوش مصنوعی بر روی ویرانه‌ها ارائه داده‌اند. تشکیلات خودگردان فلسطین برنامه بازسازی خود را تدوین کرده است؛ مقامات محلی غزه نیز همینطور. این پیشنهاد که بیشترین حمایت را دارد، ابتکاری مصری است که کشورهای عربی در ماه مارس آن را تأیید کردند. این طرح، بازسازی غزه را در چندین مرحله پیش‌بینی می‌کند. به گزارش ایسنا، اگونومیست در گزارش خود می‌گوید: «ما می‌توانیم مرحله اول بر پاکسازی حدود ۶۰ میلیون تن آوار انباشته شده در سراسر قلمرو تمرکز خواهد داشت. برخی از این اوارها می‌توانند مورد استفاده مجدد قرار گیرند؛ پس از جنگ ۲۰۱۴ بین اسرائیل و حماس، پیمانکاران از آوار ساختمان‌های بمباران شده به عنوان زیرسازی برای بازسازی بزرگراه ساحلی استفاده کردند. مصر امیدوار است آوار را با شن مخلوط کند و از آن برای احیای زمین‌های ساحل غزه استفاده کند که می‌تواند میزبان یک بندر و سایر زیرساخت‌ها باشد. مرحله دوم چهار سال و نیم طول خواهد کشید و بر بازسازی تمرکز خواهد داشت. با توجه به اینکه تقریباً همه در غزه بیکار هستند، این طرح می‌تواند از نیروی کار فراوان استفاده کند. مصر تخصص لازم را تأمین می‌کند و مواد اولیه را تحویل می‌دهد. قاهره امیدوار است پیمانکارانی از کشورهای خلیج فارس را نیز جذب کند. اما مهندسان اسرائیلی نیز جدول زمانی غیرواقع‌بینانه است - پاکسازی آوار به جای شش ماه، نزدیک به شش سال طول خواهد کشید. مصالح باید از طریق گذرگاه رفح بین غزه و مصر، جایی که اسرائیل حق وټو دارد، عبور داده شوند. یک پیمانکار بزرگ در خلیج فارس به مقامات عربی گفته است که نمی‌خواهد درگیر شود زیرا امید کمی به بازگشت سرمایه دارد.

در واقع، پول بزرگترین مانع است. طرح مصر هزینه بازسازی را ۵۳ میلیارد دلار تعیین می‌کند؛ سازمان ملل آن را ۷۰ میلیارد دلار تخمین می‌زند. اهداف‌کنندگان نمی‌خواهند این هزینه را بپردازند مگر اینکه بدانند

سر یال رسوایی‌های اپستین ادامه دارد

ردرسر جدید برای ترامپ

وی در پرونده اپستین، بیشتر و بیشتر شوند. در این میات، انفعال ترامپ در ارائه استدلال های قوی سبب خواهد شد تا جدای از دموکرات ها و طیف منتقدان ترامپ، حتی جمهوریخواهان و حامیان وی نیز در همراهی با او، محتاطتر شوند.

به هر حال، آن ها مایل نیستند با حضور در کنار ترامپ، خود را در یک رسوایی تمام‌عیار درگیر کنند. این مساله زمانی جدی تر می شود که بدانیم ترامپ دوره پایانی حضور خود در قدرت را سپری می کند و هم جزئی‌هایش حاضر نیستند به هر قیمتی با وی همراهی کنند و آینده خود را در قالب انتخابات‌های آتی آمریکا بسوزانند. از این رو، ترامپ و تیم متحد وی یا باید به نحوی منطقی و قابل قبول پرونده اپستین و حضور ترامپ در این پرونده را مدیریت کنند یا در آینده ای نه چندان دور، با افزایش افشاگری ها علیه رئیس جمهور آمریکا در این رابطه، مجبور به اتخاذ گزینه های ناگواری خواهند شد و البته که شرایط پیچیده ای را نیز تجربه خواهند کرد.

و نکته سوم اینکه برخی نیز متفقند که افشاگری های حساب شده و قطره‌چکانی در مورد نقش ترامپ در پرونده جفری اپستین، صرفا کار دموکرات ها هست و اسرائیل نیز در این روند درگیر است. هدف اسرائیل(و لابی های متحد آن) از این اقدام خود نیز وادار کردن ترامپ به بازی کردن در فضا و چهارچوبی است که مطلوب این رژیم است. به بیان ساده تر، اسرائیل و به طور خاص لابی های حامی آن در آمریکا که از قدرت زیادی در این کشور برخوردارند، از هر هرمی استفاده می کنند تا سیاست در آمریکا را در ریل مطلوب اسرائیل

اخبار
ادعای تازه ترامپ علیه ایران
دونالد ترامپ در مورد لایحه تشدید تحریم‌ها علیه روسیه اظهار نظر و اعلام کرد هر کشوری که با روسیه همکاری کند، مشمول تحریم‌های شدید خواهد شد و ایران نیز ممکن است مشمول چنین لایحه‌ای شود.
به گزارش ایسنا، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سخنانی گفت: جمهوری‌خواهان در حال وضع قوانینی هستند که بسیار سختگیرانه است، تحریم‌کننده و غیره و غیره، در مورد هر کشوری که با روسیه داد و ستد می‌کند.
به گزارش ریانوستی، وی افزود: آنها ممکن است ایران را هم مشمول چنین لایحه‌ای کنند، همانطور که می‌دانید، من آن را پیشنهاد دادم. بنابراین هر کشوری که با روسیه تجارت کند، به شدت تحریم خواهد شد.
ترامپ ادامه داد: ما ممکن است ایران را هم به این فرمول اضافه کنیم.
رئیس‌جمهور آمریکا روز یکشنبه همچنین گفت که ایالات متحده ممکن است مذاکراتی را با نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، که با فشارهای فزاینده واشنگتن در بحبوحه افزایش حضور نظامی گسترده آمریکا در کارائیب روبرو است، آغاز کند.
ترامپ در وست پالم بیچ فلوریدا، پیش از پرواز به واشنگتن به خبرنگاران گفت: «ممکن است مذاکراتی با مادورو داشته باشیم و خواهیم دید که نتیجه چه خواهد شد. آنها مایل به گفت‌وگو هستند».
دونالد ترامپ جزئیات بیشتری در مورد احتمال گفت‌وگو با مادورو، که ایالات متحده او را به ارتباط با تجارت غیرقانونی مواد مخدر متهم کرده است، ارائه نکرد. اتهامی که مادورو آن را رد می‌کند.
همچنین روز یکشنبه، مارکو رابویو، وزیر امور خارجه آمریکا گفت که ایالات متحده یک سازمان مواد مخدر منتسب به کارتل دو لوس سولز را به عنوان یک «سازمان تروریستی خارجی» تعیین خواهد کرد. دولت ترامپ ادعا کرده است که مادورو رهبری کارتل دو لوس سولز را بر عهده دارد، که مادورو نیز آن را رد می‌کند.
به معنای حمله ایالات متحده به دارایی‌ها و زیرساخت‌های مادورو در ونزوئلا است، گفت: «این به ما اجازه می‌دهد این کار را انجام دهیم، اما نگفته‌ام که قرار است این کار را انجام دهیم.» دونالد ترامپ که اوایل اکتر تعامل دیپلماتیک با ونزوئلا را قهر کرده بود، در پاسخ به این سوال که علاقه مادورو به گفت‌وگو به چه مناسبت، گفت که نمی‌داند، اما افزود: «من با هر کسی صحبت می‌کنم.» اظهارات ترامپ در مورد مذاکرات احتمالی در حالی مطرح شد که پنتاگون از حمله دیگری به یک قایق منتسب به مواد مخدر در شرق اقیانوس آرام خبر داد که در آن ادعا شد سه «تروریست مواد مخدر» کشته شده‌اند.

حکم اعدام برای نخست‌وزیر سابق بنگلادش

نخست‌وزیر سابق بنگلادش از سوی دادگاهی در این کشور به جرم «جنایت علیه بشریت» به اعدام محکوم شد. دادگاه بین‌المللی جرایم بنگلادش، «شیخ حسین» نخست‌وزیر سابق کشور را به جرم جنایت علیه بشریت در سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات دانشجویی سال گذشته توسط دولتش به اعدام محکوم کرد.

این سیاستمدار ۷۸ ساله که از بنگلادش خارج شده، به صورت غیابی به اتهام «مغز متفکر و معمار اصلی» سرکوب تظاهرات گسترده سال گذشته که در آن حدود ۱۴۰۰ نفر کشته شدند، محاکمه شده است. بنابر گزارش شبکه الجزیره، اعتراضات سال ۲۰۲۴ ب بنگلادش به حکومت ۱۵ ساله حسینه که با اتهاماتی مبنی بر سرکوب مخالفان و بازداشت‌ها و قتل‌های فراقشایی همراه بود، پایان داد. او از زمان از دست دادن قدرت در هند در تبعید به سر می‌برد و در ملأ عام یا حتی به صورت آنلاین دیده نشده است. حزب «الیک عوامی» متعلق به شیخ حسینه که اکنون ممنوع شده است، این دادگاه را «دادگاهی ناپسند» نامیده و از هوادارانش خواسته است که به حکم دادگاه اعتراض کنند. این امر نگرانی‌ها نسبت به شعله‌ور شدن خشونت در کشور را افزایش داده است.



قرار دهند.

افشاگری های دوره ای علیه ترامپ با محوریت پرونده اپستین را نیز باید در همین چهارچوب و البته به عنوان پالس هشدار به وی درنظرگرفت. با این همه، آنچه واضح است، ماجرای رسوایی وجود نام ترامپ در پرونده اپستین، همچنان ادامه‌دار است و هیچ بیراه نیست اگر بگوییم هنوز تازه نوک کوه یخی پیدا شده که بخش اعظم آن زیر آب است!

انگار سریال رسوایی های مرتبط با پرونده جفری اپستین در آمریکا پایان ندارد. در این چهارچوب، به تازگی شاهد پخس قسمت جدید این سریال جنجالی بوده ایم. ماجرا از این قرار است که برخی نمایندگان دموکرات کنگره آمریکا، اقدام به افشای فشاری از ایمیل های جفری اپستین(دلال مشهور جنسی کودکان که زمینه سواستفاده چهره های شناخته شده از آن ها را فراهم می کرد) کرده اند.

به گزارش فراوو: آنچه در این رابطه توجهات زیادی را به خود جلب کرده این مساله بوده که به صراحت این موضوع مورد اشاره قرار گرفته که ترامپ رابطه قوی و دوستانه ای با جفری اپستین داشته و البته که جزو مشتریان وی نیز بوده است. کما اینکه اپستین در بخشی از یکی از پیام هایش، ترامپ را فردی معرفی می کند که در میان مشتریانش، جزو بدترین ها بوده و حتی یک سلول خوب هم نداشته است؛ در عین حال، سواستفاده ترامپ از یکی از قربانیانش که بعدها خودکشی کرده هم مورد اشاره قرار گرفته است.

عجیب‌تر اینکه پای توماس باراک نماینده ترامپ در پرونده لبنان و سوریه نیز به ماجرا باز شده و جفری اپستین از باراک خواسته تا عکسی از قربانی که به وی تجاوز کرده را برایش بفرستد! جالب اینکه دونالد ترامپ در واکنش به این افشاگری بزرگ، آن را صرفا بازی سیاسی دموکرات ها معرفی کرده و گفته که او به جزیره قسار جفری اپستین نرفته اما بیل کلینتون ۲۸ بار به آن جزیره رفته است! او همچنین جفری اپستین را فردی دانسته که مهره دموکرات ها بوده و اکنون نیز حزب دموکرات در پشت پرده جنجال‌سازی‌ها علیه وی است. ترامپ